

اکبر گنجی می نویسد:
خواب های خونین
فرمانده کل قوا
در جمهوری اسلامی

اکبر گنجی، روزنامه نگار افشاگر دوران اولیه جنبش اصلاحات، که در زندان بسر می برد، دفتر دوم مانیفست جمهوریخواهی خود را در آستانه انتخابات ریاست جمهوری ایران به خارج از زندان فرستاد. او مقدمه ای بر این دفتر نوشته که بنظر ما از متن دفتر پر اهمیت تر است. اینکه او، بعنوان یک زندانی ارتجاع و مافیای قدرت چگونه می اندیشد بجای خود محترم است، اما اینکه او در زندان اوین شاهد چه تدارکاتی برای پس از انتخابات ریاست جمهوری است، اهمیت عام و عمومی دارد. به همین دلیل بخش های مستند و خبری مقدمه دفتر دوم مانیفست او را، برگرفته از اصل متن سند و در تکمیل سرمقاله ای که در این شماره راه توده می خوانید منتشر می کنیم.

اکبر گنجی فاش می سازد:

مقام رهبری تحمل کوچکترین انتقادی را ندارد. رهبری خدایگانی است که صرفاً باید پرستیده شود. فقط رابطه خدایگان و بنده را می فهمد. در زندان اوین بازداشتگاه های اختصاصی مدنی برای خود تدارک دیده است: بند دو الف (2 الف) (بازداشتگاه حفاظت اطلاعات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی)، طبقه اول بند 240 (بازداشتگاه حفاظت اطلاعات قوه قضائیه)، و بخش دیگری از بند 240 که بعضاً در اختیار حفاظت اطلاعات نیروی انتظامی قرار می گیرد. در سلول های انفرادی این بازداشتگاه ها از انواع و اقسام شکنجه های جسمی روحی برای «توبه نامه نویسی» زندانی استفاده می شود (پرونده وبلاگ نویسان، پرونده زهرا کاظمی و پرونده نظرسنجی چند نمونه از به کارگیری این روش ها هستند). به طور طبیعی، هر نوع محدودیت جدید، یا حادثه ای جانی، برای نویسنده (گنجی)، فقط با دستور مستقیم مقام رهبری امکان پذیر خواهد بود. بدین ترتیب مسئولیت مستقیم کلیه اقدامات با شخص آقای خامنه ای است. اعترافات و پشیمانی سلول انفرادی هیچ ارزشی ندارد.

حبس طولانی نویسنده، یکی از مواردی است که نشان می دهد «مردم سالاری دینی» مورد ادعای رهبر، در مقام عمل چه در انبان دارد. نه تنها پروژه قتل های زنجیره ای، بلکه شکنجه متهمان آن پرونده و قتل زهرا کاظمی نشان داد که مردم سالاری دینی مورد ادعا اگر امکان و فرصت تحقق بیابد، چه بهستی خواهد آفرید! نمایش های تلویزیونی و بلاگ نویسان، گوشه کوچکی از تمنای رسیدن به هدف از طریق روش های استالینی بود. شاید سر به نیست کردن نویسنده، رهبر را خشنود سازد، اما چه باک از مرگی که در راه آزادی و رعایت حقوق بشر باشد. «بازی با مرگ» بسیار زودتر از این ایام آغاز شد. با جنایت نمی توان جلوی سیل آزادی را گرفت.